

جایگاه آموزش های فنی مهارتی در بازآرایی سازمانی

برخی اوقات مسائلی پیش می آید که انسان با خود می اندیشد چگونه می توان راه درست را از غلط تشخیص داد. چگونه می توان فهمید که بین دو نظر مخالف و موافق کدام درست است و کدام غلط و یا اگر هر دو درست است کدام بر دیگری ارجح است؟ آنچه مسلم است اگر نیاز به انتخاب بین دو گزینه باشد باید تمامی نظرات اعم از مخالف و موافق را بدون جهت گیری و قضاوت پیشین مطالعه نمود تا بتوان تصمیم درست و منطقی را اتخاذ کرد.

در حال حاضر که سازمان به منظور استقرار برنامه درسی ملی اقدامات مختلفی در بازآرایی فرایندها، روش ها و برنامه ها صورت داده است. نظرات متفاوتی در خصوص مأموریت های سازمانی ارائه می شود. طبیعی است که هر کس از دیدگاه خود به مسائل بنگرد و بر نظر خود پافشاری نماید این نظریات زمانی کارا و مؤثر است که انسان ها بدون تخریب و سوگیری به دفاع از موضوع موردنظر بپردازند.

در این میان یکی از مسائلی حساسیت برانگیز شده است و طرف داران و مخالفان زیادی دارد. آموزش های فنی و مهارتی در نظام آموزشی است. در راستای همین اظهار نظر های کارشناسی ظرف روزهای گذشته نوشته ای در تارنمای سازمان قرار گرفت که نویسنده بدون توجه به تکالیف اسناد بالادستی و تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص آموزش های فنی و مهارتی به طرز بی رحمانه ای این آموزش ها را تخریب و به نوعی پرداختن به آنها با وضعیت موجود را ظلم به نظام آموزشی دانسته و آن را نفی کرد.

به نظر نگارنده متن، برای نقد یک موضوع باید به تمام ابعاد آن توجه شود و با بررسی جوانب مختلف آن و با مطالعه اسناد فرادستی مرتبط با آن دلایلی ارائه نمود که بتواند پاسخ گوی نظرات ارائه شده باشد در غیر این صورت نقد مطروحه فاقد ارزش و بی اعتبار خواهد بود. در مبحث پیش رو سعی شده است در خصوص باید و نبایدهای آموزش فنی و مهارتی مطالبی هرچند کوتاه ارائه شود تا در شرایط موجود در صورت نیاز مورد بهره برداری قرار گیرد.

در ذهن برنامه ریزان آموزشی همیشه سؤالات بزرگی مطرح است. اگر پاسخی مناسب به آن داده نشود ممکن است مسیر رسیدن به اهداف مشخص شده در اسناد فرادستی به انحراف رفته و نتایج مطلوب حاصل نشود.

یکی از سؤالات مهم این است که در طراحی نظام های آموزشی تناسب بین آموزش های نظری و عملی چگونه باید باشد؟

در پاسخ به این سؤال افراد نظرات متفاوتی را ارائه می‌نمایند که گاهی افراط و تفریط نیز دیده می‌شود. برخی بر این باورند که آموزش و پرورش باید آموزش‌های نظری را توسعه دهد و آموزش‌های تخصصی و مهارتی را به نهادهای دیگر واگذارد از این رو پرداختن به آموزش‌های تخصصی را گناهی نابخشودنی می‌دانند.

در مقابل برخی با تأکید بر رویکرد کارایی اجتماعی معتقدند، اصلی‌ترین وظیفه آموزش و پرورش ارائه آموزش‌های موردنیاز جامعه است از این رو برای آموزش‌های فنی و مهارتی اهمیت ویژه‌ای قائل شده و این نوع آموزش‌ها را بر آموزش نظری کاملاً ترجیح می‌دهند. این گونه تفکرات و رویه‌ها، فاقد پشتوانه و ادله علمی درستی است زیرا هر دو در باز نظرات افراطی تعریف می‌شوند و عمل به این پیشنهادها می‌تواند آسیب جدی در نیل به اهداف مشخص شده در برنامه‌های توسعه وارد نماید.

برای بررسی دقیق در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بهتر است تمام ابعاد آن را مورد توجه قرارداد. یکی از مسائلی که باید به آن توجه ویژه‌ای شود تأکیدات مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی است که پرداختن به این جوانب می‌تواند اهمیت آموزش‌های مهارتی را روشن‌تر و تصمیم‌گیری‌ها آسان‌تر کند.

در بیانات و تأکیدات مقام معظم رهبری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از درجه اهمیت بالایی برخوردار است به طوری که این گونه بیان می‌فرمایند.

«یکی از چیزهایی که در آموزش و پرورش مهم است، مسئله فنی و حرفه‌ای‌ها است که بنده مکرر روی آن تکیه کرده‌ام. کودک ما دوازده سال، تا جوان می‌شود، درس می‌خواند برای اینکه برود دانشگاه؛ آیا برای همه مشاغلی که در جامعه وجود دارد، سیر این مسیر و رفتن به دانشگاه لازم است؟ آن‌طور که به من گزارش داده‌اند، می‌گویند دوازده هزار نوع شغل وجود دارد؛ آیا برای همه این دوازده هزار نوع شغل، همین درس‌ها و همین مسیر و رفتن به دانشگاه لازم است؟ یا نه، باید آنچه هدف است، مهارت افزایی باشد، کارآمدی باشد برای کارهای مختلف، برای استعدادهای گوناگون؛ بعضی‌ها نخبه هستند در کار هنر، که [اگر] یک چیز صنعتی دستش بدهی نمایشم‌اند؛ بعضی‌ها به عکس، نخبه هستند در کار صنعت؛ یکی نخبه است در کار فکر و فلسفه، یکی نخبه است در کار مسائل اجتماعی، یکی نخبه است در کارهای خدماتی. ببینیم، پیدا کنیم استعدادها را، شناسایی کنیم و ورز بدهیم این استعدادها را تا اینکه ورزیده بشوند، تا اینکه بتوانند کار کنند، تا بتوانند ابتکار کنند. این همه ما روی ابتکار تکیه می‌کنیم، خب ابتکار را چه کسی می‌تواند انجام بدهد؟ هر آدم معمولی‌ای که نمی‌تواند ابتکار انجام بدهد، بایستی ورزیده بشود تا بتواند در یک زمینه‌ای ابتکار انجام بدهد. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۵/۲/۱۲)»

همان‌طور که از این فرمایشات می‌توان دریافت اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و برنامه‌ریزی برای ارائه آن با توجه به استعداد و سلیق فردی دانش‌آموزان است یعنی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در نظام آموزشی به گونه‌ای باید ارائه شود که به زبستگی دانش‌آموزان در حرفه موردعلاقه و مطابق استعدادشان منجر شود.

مسئله دیگر که می‌توان از فرمایشات مقام معظم رهبری برداشت نمود حذف مدرک‌گرایی است این دغدغه در دیدار مسئولین وزارت آموزش و پرورش در ۷۰/۱۰/۲۵ بیان نمودند و راه برخورد با آن را تسریع ورود دانش‌آموزان به حِرَف و مشاغل بازار کار می‌دانند به گونه‌ای که می‌فرمایند.

واقعاً از جمله کارهای بسیار خوب، همین قضیه مدارس فنی و حرفه‌ای است که باید دنبال بشود؛ بچه‌ها واقعاً بیایند و زودتر وارد بازار کار بشوند و دنبال آن روش تحصیل‌شده دروغین مدرک‌گرایی نباشند؛ این هم یکی از آن چیزهای مهم است (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۷۰/۱۰/۲۵)

ایشان روند مدرک‌گرایی را که امروزه به یک مشکل بسیار بزرگ تبدیل شده است را حدود ۲۸ سال قبل تذکر داده‌اند که اگر توجه می‌شد وضعیت بهتری داشتیم.

مقام معظم رهبری هرساله در جمع فرهنگیان و کارگران و سایر مناسبت‌ها مرتب مسئله فنی و حرفه‌ای را گوشزد نموده و بر توسعه هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای تأکید می‌نمایند ایشان در ۸۹/۶/۱۶ در جمع کارآفرینان سراسر کشور می‌فرمایند.

یکی از کارهای دیگری هم که حالا من اینجا یادداشت کردم که بر عهده مسئولین دولتی است، توسعه مهارت‌هاست. این هنرستان‌های فنی و صنعتی، این دانشگاه‌های علمی - کاربردی، این فنی - حرفه‌ای‌ها، آموزش‌شده‌های فنی - حرفه‌ای، باید توسعه پیدا کند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه صنعت و کشاورزی بایستی کارکنیم (بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶)

در این فرمایشات توسعه هنرستان‌ها را یکی از کارهای اساسی می‌دانند توسعه مهارت‌ها را در شرایط کنونی مقدم بر دانش می‌دانند.

با دقت در سایر فرمایشات ایشان می‌توان دریافت که آموزش و پرورش باید به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای توجه ویژه‌ای نماید و توسعه آموزش‌ها را اصل مهم می‌دانند که در فرصت‌های بوجود آمده آن را گوشزد نموده‌اند.

چنانچه اسناد بالادستی مراجعه کنیم تکالیف مشخص شده برای آموزش و پرورش در سند تحول به طور واضح بیان شده است به طوری که در ابتدای فصل هشتم سند تحول بنیادین بند ۵ هدف عملیاتی به وضوح این ویژگی مشاهده می کنیم که عنوان شده **پرورش تربیت یافتگان که دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشند به گونه ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشد**. همچنین در راهکاری ارائه شده برای عملیاتی کردن هدف شماره یک این گونه عنوان می کند:

راهکار ۶-۱- گسترش و تنوع دادن به حرف و مهارت های مورد نیاز جامعه و تعلیم متناسب و برنامه ریزی شده آن در همه دوره های تحصیلی و برای همه دانش آموزان.

با توجه به مفاد عنوان شده از سند تحول بنیادین می توان گفت که توجه به آموزش های فنی و حرفه ای جز اهداف بزرگ و متعالی نظام آموزشی است که باید به نحو صحیحی به آن پرداخته شود.

حال سؤال این است که منظور تعلیم متناسب و برنامه ریزی شده چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید به پیشینه آموزش های فنی و حرفه ای در نظام آموزش و پرورش رجوع شود نظام آموزشی ایران در سال ۷۳ دچار تغییر بنیادی شد و آموزش های فنی و حرفه ای از ۴ سال تخصصی در هنرستان ها به دو سال نیمه تخصصی تقلیل یافت بر اساس اسناد موجود اشتغال هنرجویان در نظام دوساله با بحران شدیدی مواجه شد به گونه ای که کمتر واحد صنعتی حاضر به جذب نیروهایی بود که نیاز به تکمیل مهارت های تخصصی داشته اند مسیر جذب نیروهای مورد نیاز بازار کار از دیپلم های هنرستانی به دیپلم های ریاضی تغییر یافت در صورتی که تا قبل از آن به اذعان بسیاری از فعالان بازار کار در میان متقاضیان استخدام، دیپلم های چهارساله هنرستان مشتاقان زیادی داشت. این روند تا سال ۹۵ ادامه یافت با تغییر نظام آموزشی آموزش های فنی و حرفه ای دچار دگرگونی شد. باید توجه داشت که این دگرگونی های صورت گرفته خواه ناخواه نظام اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد و هرگونه تصمیم بدون مطالعه می تواند عواقب زیان باری به جامعه تحمیل کند.

در طراحی کلان نظام آموزشی که یکی از وظایف معاونت طراحی و تولید بسته های یادگیری بر شمرده شده است برای طراحی آموزش های فنی حرفه ای باید مطالعات دقیق تری صورت گیرد به گونه ای نقاط قوت و ضعف شناسایی شود. برای رسیدن به این مهم می توان با رجوع به نتایج ارزشیابی از تغییرات انجام شده در نظام

آموزشی از سال ۷۳ تاکنون اطلاعات مفید و ارزشمندی را به دست آورد. این اطلاعات می‌تواند ابهامات زیادی را روشن کند و در طراحی نظام آموزشی از تکرار استراتژی‌هایی که در گذشته منجر به شکست شده جلوگیری کند.

حسن عبدالله زاده - کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی